

قرار بر این شده است که در هر اردو یک سفرنامه تهیه شود تا بتوان تأثیرات فرهنگی بیشتری را بر افراد گذاشت. در این سفرنامه برای هر روز یک نام انتخاب میشود و در آن از شهدای آن منطقه سخن گفته میشود. به علاوه از آن منطقه نقشهای تهیه میگردد تا بتوان یک دید کلی از موضوعات مطرح شده در اذهان ایجاد نمود.

یکی از نکات مهم در برگزاری این اردو، هدف از آن است. برای این هدف چهار نکته باید مورد نظر قرار گیرد:

۱- به طور کلی نوجوانان بسیار آرمانگرا هستند و علاقه بسیاری دارند که خود را به آرمانها ارتباط دهند.

۲- گروهگرایی نیز در میان اینان بسیار شایع است و علاقه بسیاری به تشکیل گروه دارند به خصوص آنکه این گروه دارای یک پیشینه تاریخی و جهانی باشد؛ همانند گروههای "رپ" که ظاهر خاصی برای خود دارند.

۳- الگوگرایی در این سن بسیار مورد اهمیت است چراکه در این سن انسان باید به سمت یک الگو حرکت نماید.

۴- نوجوانان میبایست به یک پیشینه و یک هویت متصل باشد. اگر هویتی در پشت شخصیت وی نباشد به راحتی میتوان به هویت وی شکل داد.



این چهار نکته را در منطقه به راحتی میتوان پوشش داد چراکه این موارد در منطقه (مناطق جنگی) از آشکارا این مطلب را می بینند و لمس می کنند.

آرمانی که برای فراگیران تعریف میشود باید به نحوی بیان گردد که آنها احساس کنند که به واقع میخواهند به آن دست یابند و البته باید در نظر داشته باشیم آرمان تعریف شده برای آنان نباید سطح پایین و خیلی ساده تعریف شود بلکه باید یک آرمان بلند بیان گردد تا با بزرگی آرمان و دنیای فراگیران، شخصیت آنان بزرگ شود.

بنابر این در بحث آرمان، مینبایست آرمانهای بزرگ برای فراگیران در نظر گرفت.

شهید چمران، شهید اعلم الهدی، شهید باکری، شهید زین الدین، شهید همت، شهید باکری و ... را میتوان برای فراگیران معرفی نمود و با این عمل، آنان، خود به دنبال این شهدا میروند. اگر بتوانیم این افراد را به عنوان الگو برای فراگیران معرفی نماییم، خواهیم توانست مسیر ویژه‌های را برای پیمودن راه برای اینان مشخص نماییم. در فضای منطقه (مناطق جنگی) به راحتی میتوان این الگو سازی را ایجاد نمود. برای این کار پیشنهاد میشود داستانهایی را که از شهدا وجود دارد را بیان کنیم، به طور قطع و یقین، فراگیران میتوانند تحلیلهای مربوط به این موضوعات را

انجام دهند و خواهند توانست نتیجه مورد نظر را بدست آورند. یکی از نکاتی که در سفر به مناطق جنگی باید در نظر داشته باشیم این است که بتوانیم به درستی برای فراگیران تبیین نماییم که به چه مکانی قدم میگذارند. حضرت امام خمینی رحمه الله علیه فرموده‌اند که جبهه یک دانشگاه است.

مسائلی که در ارتباط با جنگ و شهدا وجود دارد، بسیار زیاد و تأثیر گذار است و ما باید این مسائل را برای فراگیران بازگو نماییم.

در ابتدا باید برای فراگیران تفهیم نماییم که باید در این دانشگاه به دنبال چه باشند، باید به باورشان برساییم که در این دانشگاه به چه مدارج عظیمی میتوانند دست یابند. شخصی که هیچ وقت درس نخوانده است نمیتواند عظمت یک عالم را درک کند. بنابر این برای تأثیر گذاری این اردو باید یک الگوسازی مناسب برای فراگیران صورت گیرد تا بتوان شوق اهداف مترقی را در آنان زنده نمود.

نکته‌های که همیشه برای دوستان تعریف میکنم این است که زیبایی به دو صورت است؛ یکی زیبایی ظاهری و دیگری زیبایی باطنی و ما در این سفر (مناطق جنگی) قرار است که به تماشای زیباییهای باطنی برویم اما نه با چشم ظاهر بلکه با چشم دل. باید بتوانیم نوع نگاه افراد را عوض نماییم. باید بدانیم که این اردو، یک اردوی تفریحی نیست.

باید به فراگیران نشان دهیم که زیبایی تنها زیباییهای موجود در شهر و ... نیست.

نکته‌های که باید بیان کنیم این است که شهدا همگی خالص بودند و به دنبال مقام و اسم و ... نبودند. نکته دیگر در خصوص مقامات معنوی اینان است. در این ارتباط کتاب "خاکها نرم کوشک" بسیار کمک میکند. حدیثی است قدسی که خداوند میفرماید "مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتَهُ بِالْحَرْبِ وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْإِخْلَافِ حَتَّىٰ أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا" هرکس، با دوستان من دشمنی کند، من با او اعلان جنگ مینمایم و بنده ام با هیچ چیز محبوبی نزد من به اندازه انجام آن چه که بر او فرض قرار داده‌ام، به من نزدیک نمیشود و هم چنان با انجام نوافل به من تقرب میجوید تا این که محبوب من قرار بگیرد. پس هنگامی که مورد محبت من قرار گرفت، من گوش، چشم، دست و پایش می‌شوم که به وسیله آنها میشنود و میبیند و می‌گیرد و راه می‌رود. این حدیث به حدیث نوافل معروف است.

شهدا همگی از مادیات عبور کردند و به خدا رسیدند. نکته‌های که متأسفانه ما آن را فراموش کرده ایم.

بحث بعد در خصوص ولایت پذیری است که ولایت پذیری به اطاعت از فرمانده نیز ختم میشود.

باید بدانیم که شهدا علاوه بر داشتن مقامات معنوی، کارهایی انجام دادند که عراق و همفکرانش مانند امریکا در عجب بودند. عراقیها به واقع توانایی جنگیدن با ما را نداشتند. در جنگ تحمیلی، حدود هفت هزار تانک عراق نابود شده است و هر تانک حدود ۴۰۰ هزار دلار قیمت داشته است. ارتش عراق در ابتدای جنگ حدود دو هزار تانک داشته و به آن ارتش عروس خاورمیانه میگفتند؛ به این معنا که قدرتمندترین ارتش خاورمیانه بوده است.

پس نباید تصور نمود که شهدا افرادی بیسواد و بدون معلومات بودند بلکه بسیاری از آنها از علوم روز اطلاع کافی داشتند که توانستند این معجزات را خلق کنند. شهید چمران در ناسا مشغول به کار بود و در بهترین موقعیت قرار داشت اما بنا به احساس تکلیف خود، ابتدا به لبنان رفت و بعد از آن به ایران آمد و در جبهه حضور پیدا کرد.

باید بدانیم که رسیدن به خدا، غرق شدن در زندگی مادی نیست. شهدا این گونه نبودند که تمام هدفشان رسیدن به زندگی مادی باشد، ما نیز نباید در این زندگی خودمان را غرق نماییم.